

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

جمعه: ۲۰۲۲/۱۱/۰۴ - ۱۴۰۱/۰۸/۱۳

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۱

جلسه: ۲۸

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا رسول الله و آله الطاهیرین المعصومین.

عرض شد صفحه دویست آقای خویی دارند،

س: دویست و چهار یا دویست؟

ج: از دویست شروع می شود کمش مثلی که آن شب خواندیم یکی دو صفحه اش را اجمالاً حالا می خواهیم برای اتصال بحث اولاً ایشان می گویند چون این روایت طویله است و آثار فراوان دارد ما کامل بیاوریم، روایت را کامل نقل می کنند دیگر آن توضیحاتی را که ما عرض کردیم که شیخ منفرد است در کافی نیامده البته این خیلی مؤثر است چون طریق مرحوم شیخ به کتاب علی ابن مهزیار از راه قم است راه احمد اشعری است و برادرش از راه قم است، پس حدیث در قم مسلم وجود بوده قبل از کلینی و قبل از صدوق لیکن هردو نیاوردند یعنی در قرن سوم بوده قرن چهارم دیگر نیاوردند بلی این یک مشکل حدیث در حقیقت این قسمت است و یک قسمت دیگرش که آن شب شما تشریف نداشتید عرض شد ذیل حدیث که هر سه آوردند البته مرحوم صدوق خیلی صدوق خیلی ناقص آورده اما کلینی آورده و شیخ مفصل هم آورده ذیل حدیث که خواندیم عجیب است که می گوید آن پدر شما نوشت نصف السدس، آن را می گوید این نکته را دقت کردید بخوانید دقت کنید در این جا می گوید شما گفتید نصف السدس پدر شما لیکن خمس که بر ضیاع واجب است آیا بعد از مؤنه نمی فهمم یعنی خود راوی کانما می خواهد بگوید آقا این مثلاً کلام تقیه صادر شده یا نصف السدس اشتباه به ما رسیده، تو خود سؤال هست خمس،

س: همان شب هم عرض کردم خود سؤال این آمده

ج: خمس خیلی عجیب است

س: جواب هم هیچ بهش توجه نمی کند و علیه الخمس

ج: بلی علیه الخمس

س: خیلی تعجب است دقت کردید آن وقت یکدفعه مثلاً می گفتیم در نسخه ای ایشان نخوانده نصف السدس خود این هم دارد می گوید در نامه ای پدرت بود که بر ضیاع نصف السدس بعد می گوید این خمس که هست آیا بعد از مؤنه کدام مؤنه؟ یکدفعه صحبت را می برد رو خمس این نشان می دهد که از همان اوائل شاید از لسان روایت یک حکم خاصی را در آوردند که همان که من بهش گفتم حکمی، آقای خویی هم آخرش می خواهد همین حرف بزند می گوید امر شخصی امام است این همان حکم ولایی است که ما عرض کردیم این اگر بشود مشکلات روایت را حل می کند حالا بعد از متن روایت یک کمی مشکلات را دو مرتبه بخوانید، بلی بعد از آوردن حدیث، حدیث را می آورند ایشان،

س: بعد از این که می آورند، و لناخذ فی شرح

۳۰: ۲

و لناخذ فی شرح بعض فقرات هذا الحديث الشريف المروى عن ابی جعفر الجواد علیه الصلاة والسلام و دفع ما اورد علیه من الاشکالات صفحه ۲۰۱ از کتاب مستند العرفه

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

جمعه: ۲۰۲۲/۱۱/۰۴ - ۱۴۰۱/۰۸/۱۳

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۲

جلسه: ۲۸

ج: کتاب الخمس در آن سلسله به نظرم شماره دارد الآن این تکی چاپ شده

س: بلی

ج: حالا شماره تسلسل

س:

۰: ۳

س: قوله عليه السلام في سنة هذه الخ و هي سنة وفاته عليه السلام و لعل الى ذلك اشار عليه السلام بقوله لمعنى من المعانى

ج:

۱۲: ۳

می دانستند که نمی مانند بلی حالا

س: تفسیره کله، و اراد علیه السلام

ج: البته احتمال دارد که به خاطر سنه وفات بوده و احتمال دارد، به هر حال چیزی که در این روایت حالا مرحوم استاد هم توضیح ندادند خیلی جای توجه است، یک نسبت بالای از مبالغ است یعنی مثلاً اول خذ من اموالهم صدقه که مورد زکات و این هاست خب زکات به طور متعارف دو و نیم درصد است امام گفته خمس بدهید خیلی بالاست فرقی زیاد است دو و نیم درصد با بیست درصد تفاوتش خیلی زیاد است احتمال دارد که مراد کره التفسیر، اگره تفسیر مراد این است که تعجب نکنید یک احتمال حالا ما الآن هم معلومات ما نشان نمی دهد اواخر حیات امام جواد یک مشکلات خاصی پیدا شده به حسب ظاهر که ایشان داماد خلیفه بودند دست شان باز بود امکانات فراوان بود حسب ظاهرش این طور است دیگر، حسب ظاهر امر این طور است آن وقت این معلوم می شود که یک مشکلاتی با امام مواجه شده که امام آمدند این مبالغ سنگین را قرار دادند این کره، احتمالی من که می دهم این است نه چون می دانستند سال وفات شان است علم به سال وفات، دارند علم آن مشکل ندارد،

س: نمی گفت اگر علم وفات بود نمی گفت به خاطر یک نکته ای

ج: بلی

س: قابل بیان نبود

ج: بلی به ذهن من این است که یک فشاری چیزی نکته ای بوده عده ای از شیعه در مشکلات بودند حالا چون بالاخره داماد خلیفه بودن عنوان خوبی دارد اما خب از این مشکلات هم دارد دیگر کسی مثل امام جواد بیاید با دختر قاتل پدرش ازدواج کند، اصلاً دیگر نمی خواهد تقیه ای نمی خواهد دیگر حالا خودش واضح است با دختر قاتل پدر که آن هم که ولی امر مسلمین است و امیرالمؤمنین می خواهد با او ازدواج کند دیگر این تمام شرائط تقیه، یعنی تمام لحظات در تقیه است نه این که یک کلامی را که می خواهند صحبت بکنند چه مشکلی در آن زمان بوده؟ در آن روایت خمس که از آن زید، که است؟ محمد ابن زید طبری است از امام رضا که بابا این مشکلی هست ما باید برسانیم این خمس را به ما برسانید محمد ابن زید طبری است همچو اسمی توثیق روشنی ندارد اما ظاهراً احتمالاً شاید از زیدی های بوده که آمده خدمت حضرت رضا سلام الله علیه، نامه ای است ایشان نقل می کند به نظرم محمد ابن زید طبری در همان به اصطلاح باب خمس حالا به هر حال آقا این احتمالی که من می دهم این است که یک

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

جمعه: ۲۰۲۲/۱۱/۰۴ - ۱۴۰۱/۰۸/۱۳

صفحه ۳

جلسه: ۲۸

حالت غیر طبیعی پیش آمده امام مبالغی را می خواستند که به مصارفی برسانند و خیلی هم نمی توانستند توضیح بدهند که چه است؟ قصه چه است؟ حدودی بالاخره داماد خلیفه است دیگر نمی شود خب بالاخره که گفت شمشیر خلیفه بالای سر ایشان نمی توانستند من فکر می کنم سال وفات باشد، این هم یک مطلب حالا می خواهید این را هم ردش بکنید، س: می دانستید قبل رد شده ما تا آخر صفحه دویست و چهار را خواندیم، سه صفحه را خواندیم

ج: نه این نکته را نگفتم

س: نه عرض کنم که عبارت خواندن مثلاً

ج: نه این را ردش بکنید، نه نکته را که این نکته را چون آن شب نگفتم، گفتم بعد

س: نه نه اصلاً

ج: بلی بعد این نکته را عرض می کنم

س: حالا این صفحه دویست و چهار و منه قوله علیه السلام

۶:۳۲

اجب من الضیاع این جا بود

ج: بلی

س: آخر دویست و چهار و منها قوله علیه السلام فی آخر الصحیح

ج: نه خب در وسطش هم مشکل داشت مال تفسیر غنائم، به نظرم وسطش را نخواندیم

س: همان جا بود که گفتید که ایشان گفته بود که

س: نه غنائم آن است

ج: آن جا از آن جا از آن جا

س: این ها را خواندید چون بعدش دارد که الجائزه من اثر انواع الفوائد، که شما گفتید اشکال است

ج: بلی قبول نکردیم که جایزه من

۷:۲

س: دوباره خوانده شود یعنی؟

ج: نه می خواهید رد بکنید حالا، گفته شده می گویند گفته شده

س: و منها قوله علیه السلام فی آخر الصحیح

ج: این را هم گفتیم ظاهراً که نصف السدس امام فرموده،

س: بلی تو همین جا بودیم

ج: بلی

س: و اما الذی اوجب من الضیاع الخ فقد اورد عليه يا اورد عليه في المدارك بما نصه و اما مصرف السهم المذكور في آخر الروايه و هو نصف السدس في الضیاع و الغلات فغير مذكور صريحاً مع انا لانعلم بوجوب ذلك على الخصوص قائلاً لانعلم قائلاً این

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

جمعه: ۲۰۲۲/۱۱/۰۴ - ۱۴۰۱/۰۸/۱۳

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۴

جلسه: ۲۸

تمام می شود که سخن مرحوم صاحب مدارک، اقول اما ما ذکره قدس سره من عدم ذکر المصرف فعجیب بداهه ان صحیحه من بدایتها الی نهایتها تنادی باعلی صوتها بانه علیه السلام فی مقام تخفیف الخمس اما بالغاء محضاً کما فی المتاع و الآنیه و الخدم و الربح و نحوها او بالالقاء بعضاً کما فی الضیعه حیث اشار علیه السلام فی صدرها بقوله الا فی ضیعه سافسرها لک، ج: خیلی جواب آقای خویی روشن نیست معلوم است مراد از مصرف خودش امام است من نمی دانم حالا ایشان چه فرموده، مراد این است که،

س: رد می کند که می گوید

ج: صاحب مدارک را که می گوید مصرف را نگفته، مصرف خود امام است آن

س: فما ذکره هناك تفسیر لما وعد و معناه انه علیه السلام خفف الخمس و اکتفی عنه بنصف السدس فكيف لا يكون مصرفه معلوماً فانه

ج: با بقیه سیاق روایت نمی سازد خیلی بعید است این، تخفیف نیست ظاهراً تشدید است به عکس این که ایشان چون مثلاً آیه ذکات را آوردند بعد می گویند خمسش را بدهید آیه ذکات دو و نیم درصد است خمس بیست درصد است به عکس است مطلب، س: الضیعه

ج: بلی بعد هم توی غنائم که می رسد امام مواردی را می گوید جای دیگر نیامده مثل میراث من لایحتسب میراث من لا، بلی و بعد مسأله ای به اصطلاح اموالی که می رسد از دست ظلمه، نمی دانم چه است؟ آن مال خرم دینی ها بابکی ها اموال اصلاً این ها به

عنوان

س:

۲۹: ۹

ج: بلی

س: یک صحبتی شد عرض کردم این ضیعه قرینه است برای این که دارد ذکات را می گوید ولی بعد شما هم به نظرم فرمودید که ج: بعدش هم خود ابراهیم ابن محمد خمس فهمیده اصلاً

س: بلی،

ج: چون این ها ذیل را نگاه نکردند

س: بنابراین تخفیف معنی دارد یعنی اگر سدس را در جهت خمس

ج: نه دارد می گوید پدر تو این طور نوشت حالا این خمس بعد از، خب یعنی چه؟ می گوید این گفته نصف السدس ولی این خمس بعد از مؤنه است کدام مؤنه؟

س: آقای خویی

۱۰: ۰

ابراهیم ابن محمد را می آورند

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

جمعه: ۲۰۲۲/۱۱/۰۴ - ۱۴۰۱/۰۸/۱۳

صفحه ۵

جلسه: ۲۸

ج: آخرش آخرش می آورد ایشان، آخرش می آورد توجه نشده که این مکاتبه ذیل همین روایت است حالا بخوانید بعد می آورد آقای خویی چرا؟

س: و اما ما ذکره قدس سره اخیراً من انه لم يعرف له قائل یا لم يعرف له قائل فحق و لكنه عليه السلام لم يكن بصدد بيان الحكم الشرعي

۲۲: ۱۰

ج: خب این همان حکم ولایی است دیگر همان که ما می خواهیم اگر از این راه می آمدند بهتر بود

س: بلی دیگر حکم شرعی را نمی گفت

ج: حکمی

س: بعد مقام تخفیفاً حق شخصی

ج: به جای شخصی می گفتند ولایی بهتر بود این همان بحثی است که الآن مسائل ولایی مطرح است که ما هم حق مطلب را این می دانم حالا بفرمایید تا ببینیم با ایشان کجا؟

س: و الاكتفاء عن الخمس نصف السدس كما عرفت فيختص بزمانه و لا ينافيه قوله عليه الصلاة و السلام في كل عام يعني این عبارت فی کل عام منافاتی ندارد چون می گوید

ج: کل عام را به نظرم تو فوائد و غنائم دارد

س: نه آن جا دارد و لم اوجب ذلك فی کل عام، آن جا داشت دیگر

ج: آخرش نصف السدس

س: بلی بلی آن جا داشت که و لم اوجب عليهم ذلك فی کل عام، بعد از این که آن را می گوید بعد می گوید

ج: خب این کاملاً واضح است که،

س: بلی

ج: نه آنی که دارد که کل عام برایشان ثابت است در غنائم است

س: در غنائم

ج: در غنائم نگاه کنید بخش دوم دیگر عرض کردم ما این بخشی سه بخشی اش کردیم برای این که کاملاً روایت روشن بشود و اما فهی قوله تعالی و اعلموا انما غنمتم،

س: گفته الی اموال و لم اورد بعد از این که خذ من اموال صدقه این ها را می خواند می گوید الی اموال و لم اوجب عليهم ذلك فی کل عام، و لا اوجب عليه

ج: چرا روایت طویل کامل آوردند

س: نه حاج آقا بعد از غنائم غنائم را بعداً می گوید فاما الغنائم و الفوائد بعد از این است قبل از این می گوید و لم اوجب عليهم

ج: این در اولی است

س: این در اولی

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

جمعه: ۲۰۲۲/۱۱/۰۴ - ۱۴۰۱/۰۸/۱۳

صفحه ۶

جلسه: ۲۸

ج: این در اولی است

س: تو همین یک روایت است،

ج: این تو اولی است بخش اولش است

س: بلی تو بخش است

ج: تو بخش اولش که فی عام هذا فقط و لم اوجب علیهم فی کل عام این بخش اول است

س: غنائم را بعداً می گوید

ج: بعد غنائم می گوید فی کل عام

س: بلی

ج: بخش سوم توش سال ندارد بخش سوم که ضیاع باشد بخوانید

س: بلی

ج: بخش سوم که ضیاع است

س: الی اموال فالغنائم و الفوائد یرحمکم الله فهم فہی الغنیمہ تا می آید نہ دیگر چرا آن جا ہم دارد فاما الذی اوجب من الضیاع و

الغلات فی کل عام فہو نصف السدس

ج: این کل عام دارد نہ این کہ فی هذا العام

س: بلی

ج: مثل همان غنائم است

س: بلی

ج: آن وقت اشکال آقای چیز این می شود کہ چطور فی کل عام،

س: نصف السدس

ج: بلی نصف السدس

س: بعد می گوید و لاینافیہ قولہ علیہ السلام فی کل عام اذ الظاہر ان المراد کل عام من اعوام حیاتہ کہ آقای همان جا توضیح

می دهد همان جا ہم کہ گفت

ج: گفت کہ،

س: گفت ای فی کل عام من حیاتہ و مادامت الامامۃ لم تنتظر الی امام

ج: خب دیگر همان حکم ولایی دیگر

س: امامۃ است

ج: حکم ولایی

س: خودش است

س: حکم ولایی می شود دیگر

به اصطلاح رسائل الائمه آورده، لیکن خب این مال امام هادی را در همین کافی آورده بعید است مال رسائل الائمه باشد، خیلی

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

جمعه: ۲۰۲۲/۱۱/۰۴ - ۱۴۰۱/۰۸/۱۳

صفحه ۸

جلسه: ۲۸

.....
غرض چیز عجیبی است الآن تصور ما یعنی، مگر همان که من عرض کردم تا دیدند امام یک عدد آخری را فرمودند از حکم ولایی فهمیدند می دانستند حکم اولی خمس است لذا برگشتند به حکم اولی که خمس بعد از کدام مؤنه است مگر این و الا انصافاً اگر خود آقای خویی این را تحقیق می کردند آن روایت کلینی را هم می آوردند صدوق را هم می آوردند عیاشی را هم می آوردند همین طور که در جامع الاحادیث آمده و کاملاً واضح است از بخش سوم این صحیحه سؤال شده از دو بخش اول و دوم اصلاً سؤال نشده

س: ولی آقای خویی نظرش این نیست دیگر

ج: چرا حکم شخصی گرفته ولایی گرفته

س: سؤال شده ببیند

ج: نه اگر ایشان این گفت می گفت

س: حکم ولایی را به فرمایش شما آیا ابقاء می کنند

ج: بلی، نه این اشکال ندارد، نه تمام مطلب این است که معلوم می شود قسمت اول و دوم هم ولایی است تمام صحبت ما این است الآن، حل مشکل که چرا در قسم اول آیه صدقه را خواندند بعد می گویند خمس بدهید در آیه دوم مصادیقی را از به اصطلاح غنائم و فوائد گفتند که متعرض نمی شوند این با این ترتیب ما حل می شود، معلوم می شود کلاً از روایت حکم ولایی فهمیدند حالا اگر این طور شد دیگر تمام مشکلات حل می شود بفرمایید،

س: بلی همین، و منها قوله عليه السلام فاما الغنائم و الفوائد الخ حيث اشكال عليه، بايد استشكل بگوید تعبیر، اشکل علیه المحقق الهمدانی

ج: این زیاد است اشتباهی است در حوزه های ما اشکل می خوانند، اشکل می کنند صحیحش استشكل، اشکل خودش لازم است
س: بلی دیگر

ج: متعددی نیست نه، اشکل هم غلط است

س: عربی های فارسی است دیگر

ج: عربی های فارسی

س: یک دوستی داشتیم از عرب هایی و صاحب مدرسه ای بود و این ها می گفت ما بعد از این که درس می دادم می آمدیم تو دفتر می نشستیم گاهی این عرب ها از این کتاب هایی که فارس ها به زبان عربی نوشته بودند می خواندیم و تنوعی بود برایم می خندید،
ج: به قول عرب های عراق می گویند عربی عجمانی عجمانی،

س: بلی می فرماید که بعد اشکال مرحوم همدانی را بگوییم دیگر و انه يظهر منه ان الارباح غير داخله في الغنائم از این حدیث به حساب مرحوم همدانی آورده و لاجله اسقط الخمس في الاول و اثبت في الثاني فيظهر التغير من المقابلة و اختلافهما من حيث المصروف و ان خمس ارباح يختص بالامام و لاجله تصرف عليه الصلاة و السلام فيه رفعا و تخفيفا این اشکال مرحوم
س: همدانی

س: همدانی، و هذا الاشكال ايضا لا يرجع الى محصل لان المذكور فيها لو كان هو الغنائم فقط لا يمكن الاستظهار

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

جمعه: ۲۰۲۲/۱۱/۰۴ - ۱۴۰۱/۰۸/۱۳

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۹

جلسه: ۲۸

ج: لیکن فوائد را هم اضافه کردند

س: لکن اقترانها بالفوائد قرینه قطعیه علی ان المراد بها معناً عام يشمل مطلق الارباح و غیره بعد غایتہ الالتزام بخروج بصنف خاص من الفوائد و هی المذكور قبل ذلک مما اسقط عنه الخمس، یا أسقط عنه الخمس

ج: أسقط

س: اعنی ارباح التجارات و نحوها و نتیجتہ ارتکاب التخصیص الذی لیس بعزیز فیثبت الخمس فی غیر

ج: اگر گرفتیم ولایی تخصیص هم نمی خواهد دیگر آن یک حکم است این یک حکم، دیگر تخصیص هم نمی خواهد تخصیص مال دوتا حکم واقعی است بفرمایید،

س: و بعباره اخرى ما یحتمل فیہ الاختصاص هو لفظ الغنائم فیدعی کما قیل باختصاصه بغنائم دارالحرب و اما الفوائد فهی مطلقه قطعاً و لا مجال فیها لتوهم المذبور بتاطاً، فاقتران الاول بالثانی

ج: البتہ این جا فقط اشکال دیگر می آید و آن این که مبنای آقایونی که می گویند روایات اهل باید بر حسب قرآن و سنت باشد در این جا در قرآن چون غنائم آمده نمی شود فوائد را اضافه کنند مگر یا سنت باشد یا بگویند امام این سنت را قرار داد این باید یک تفسیری بشود اگر بنا شد غنائم با فوائد فرق بکند کما قیل به تعبیر ایشان آن باید این نکته بشود که چرا امام فوائد را عطف بر غنائم کردند مادام باهم فرق می کند غنائم اصل قرآنی دارد، ارباح یا باید برایش اصل از سنت پیدا بکنیم که فعلاً نداریم یا باید بگوییم سنت معصوم است باید یک توجیهی ایشان بکند یا باید بگوییم اصلاً غنائم یعنی به اصطلاح فوائد مطلق فوائد، پس آن کما قیل ایشان دیگر فایده ندارد و اما الفوائد فهی مطلقه قطعاً و لا مجال فیها لتوهم المذبور بتاطاً و اقتران الاول بالثانی قرینه قاطعه علی الاتحاد الاول و ان المراد مطلق الفوائد فلا تدل علی عدم الارباح، غایتہ تخصیصه و ان علیه الصلاة و السلام اوجب الخمس فی هذه السنه فیما عدى الارباح من الفوائد و المتأثر من جمیع،

ج: خب اوجب فی هذه السنه بگوید حکم ولایی، حکم ولایی حلش بکند مشکل را

س: آن تعبیر نمی کند ایشان

ج: ایشان تعبیر نمی کند چرا؟ چون همه اش می خواهد حکم واقعی بگیرد،

س: اصلاً کلاً گویا

س: نه می گوید الغاء حق شخصی

ج: یا الغاء حق شخصی مثلاً

س: حق شخصی بگیرد آخر ولایی می شود یک جورهایی،

ج: نه دیگر ولایی است دیگر امر ولایی است این اگر ایشان از این راه می آمدند خیلی مشکلات حل بود با آن بفرمایید،

س: این حق شخصی عذر می خواهم برای مثلاً سادات سهم سادات را به فقیر هم بدهیم آن هم می تواند بگوید من حقم را بخشیدم به تو مثلاً،

س: منافاتی با

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

جمعه: ۲۰۲۲/۱۱/۰۴ - ۱۴۰۱/۰۸/۱۳

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۱۰

جلسه: ۲۸

ج: نه حق شخصی یعنی شخص ولایی یعنی ولایتی که دارد آنجا سهم سادات ولایت ندارد فقیر سید، حالا علی تقدیر این که آن درست باشد آن هم حالا یک کمی محل شبهه است

س: بلی

ج: بلی آن هم محل شبهه است

س:

۴۸: ۲۱

ج: بلی بگیرد، اگر نیاز ندارد نباید بگیرد

س: متأسفانه بچه‌های سیستمی معنایش ممکن است اشکال ندارد

ج: خود ما یک عده‌ای اشکال مختلف می‌آوردند از این جور چیزها قبول نکردیم از سی سال بیشتر است، می‌آوردند که مثلاً این سهم سادات است این قدرش را بگیر، بقیه‌اش به ما بده، شیخ بود مثلاً قبول نمی‌کردم هیچ قبول کردم می‌گفتم این را قبول نمی‌کنم هیچ وقت، نه حالا شاید سی و پنج سال است، سال یک روز دو روز نیست سال‌هاست این قصه برای ما شده و سال‌هاست،

س: حیل حساب می‌شود

ج: بلی اصلاً اهل این کار نبوده

س: و المتحصل من جمیع ما قدمناه ان هذه الروایة صحیحہ السند ظاهرة الدلالة علی وجوب الخمس فی الفوائد و الغنائم و ان اسقط علیه الصلاة و السلام حقه شخصی فی بعض السنین فیصح الاستدلال بها و لا یرد علیها شی من الاشکالات حسب ما عرفت، ج: خب ایشان باید مثلاً غنیمت را علی ماقیل که اختصاص به غنائم دارد که این، خب این مواردی که آمده که این‌ها حتی فائده هم معلوم نیست برایش صدق بکند چون فائده این است که انسان یک کاری بکند چیزی گیرش بیاید دیگر فائده این است، میراث من لایحتسب که فایده نیست که که چه فایده‌ای است، غرب این جوری است دیگر می‌گوید آقا تو یک پسر عموی پدر نمی‌دانم جدت در فلان شهر مرده وارث ندارد فعلاً شما هستید به ما می‌دهند این چه فایده‌ای است این چه غنیمتی است، افاد الرجل یعنی کاری شده درآمدی شده چیزی شده، حالا مثل ربح، درآمدی البته غنیمت را هم آقایان با ربح فرق می‌گذارند، ربح مطلق تفاوت مابین خرید و فروش را ربح می‌گویند سود به اصطلاح غنیمت را اصطلاحاً بنشان بر این است به مقداری گفته می‌شود، که آن مقداری که برای تحصیل سود خرج کرده آن خارج بشود یعنی آن مقدار سودی که ما بازاء ندارد این اصطلاحاً غنیمت است،

س: آن نفع

ج: نه نه، ببین

س: غنیمه را ای ما نفع

ج: نه اشتباه است حالا غنیمت را

س: غنیمه ای نفع

ج: ببینید غنیمت را در حالا گفته شده غنائم دارالحرب این سرش این بوده که آن‌ها غالباً در آن زمان مخصوصاً تو مدینه تجارت نداشتند، چیزی که داشتند همین جنگ بود، مثلاً از طریق جنگ چیزی گیرش می‌آمد، مصداقش در زمان آن جنگ، آن وقت

غنیمت را دارند، در شعر عربی حتی این قرطبی هم یک دوتا بیت شعر می آورد که غنیمت در لغت عرب اساساً برای مطلق فایده است، البته معلوم نیست مطلق فایده هم باشد از این که می گوید الخمس بعد المؤمنه احتمالاً این مؤنه تأثیرگذار در موضوع غنیمت است نه در حکم، تصور آقایون الآن این است که تأثیرگذار در حکم است اما احتمالاً تأثیرگذار در غنیمت باشد در حکم در موضوع باشد به این معنی که اگر بودجه ای را صرف کرد، فرض کنید یک پتویی را مقدار پتو خریده بعد فروخته مثلاً پنج روز هم طول کشیده آن مقداری که ما به التفاوت است سود است که الآن هم ارزش افزوده را از آن راه مالیاتش را می گیرند اما این باب خمس نیست این در حقیقت این طور حساب می کند که این پنج روز مثلاً زندگی اش چقدر شد، فرض کنید سودی که در آورده ده میلیون تومن در این پنج روز یک میلیون تومن خرج زندگی اش در این پنج روز بوده، خرج زندگی بوده می گویند آن نه میلیون است سود ده میلیون است لیکن غنیمت نه میلیون است مقداری از سود که ما به الازاء ندارد و آنچه که الآن هم یعنی در اقتصادی، قدیم هم بوده البته

۲۱: ۲۵

مزدکی ها و این ها اخیراً مارکسیست ها و کمونیست ها، اصلاً در دنیای عرب کمونیست ها یک عبارتی داشتند در فارسی ها من این را خیلی ندیدم این عبارت معروف من کل حسب طاقته و لكل حسب حاجته هرکسی آن مقدار که نیرو دارد باید صرف بکند در جامعه، آن وقت درآمدی که شد به آن مقداری که احتیاج دارد بهش بدهید، ببینید این مقدار احتیاج یعنی مؤنه، بقیه اش مال جامعه است بقیه اش را باید بدهیم به جامعه، دقت کردید چه شد؟ این را من در فارسی ندیدم وقتی هم که کمونیست ها،

س: دوره کمونیستی است

ج: بلی آقا

س: معادل فارسی این،

ج: معادلش را من ندیدم این باید همین طور باشد از هرکسی به مقدار توانش و به هرکسی به مقدار نیازش این باید این طوری مثلاً یک عبارتی من نشنیدم نمی دانم من چون خیلی حالا من گاهی اوقات مطالعات مارکسیستی ام به عربی شاید بعض جاهایش بیشتر بوده علی ای حال لیکن این در مثلاً عراق که کمونیست ها یک وقتی خیلی رواج داشت، این عبارت معروف بود، من کل حسب طاقته و لكل حسب حاجته یعنی آن مقداری که زائد بر حاجت است این مال جامعه است فرد زحمت کشیده غذا مصرف کرده به اندازه مصرفش داده بشود بقیه مال هیئت اجتماعی است چون مال هیئت اجتماعی است باید صرف جامعه بشود آن وقت در آیه مبارکه در این جا در حقیقت این طور می گوید آن بقیه که زائد است مال هیئت اجتماعی است بیست درصدش این باشد برای جامعه، بقیه اش را هم شخص تصرف کند این فرقی این دوتا نظام ها را دقت کردید بیست درصدش را بدهیم الله و لذا هم ابتداء به خدا کرد اصلاً آیه فئ هم در قرآن آمده آیه فئ آن هم همین شش تا آمده همین شش تایی که در آیه خمس است فقط یک فرق دارد، در آیه خمس فان الله خمس، خمس را اول آورده و للرسول و لذی القربی و الیتیمی و المساکین و ابن السبیل، این جوری آمده ما افاء الله علی رسوله ممالم یجف

۲۷: ۲۷

فله و لرسوله و لذی القربى، و الفقراء و المساکین و ابن السبیل یعنی آنجا یک وسط افتاده و لذا هم عده‌ای آمدند گفتند به این که الله سهم ندارد الله تشریفاً ذکر شده یعنی این مال جامعه است این مال خداست این یکی دیگر مال تو نیست یک بیست درصدش الله حساب می‌شود و این الله داده بشود به این پنج سهم لذا هم عده‌ای شان پنج سهم گرفتند للرسول و ذی القربى و بعد مساکین و ابن السبیل و یکی دیگر هم حالا یادم رفت، آیه مبارکه فان الله خمسہ و للرسول و لذی القربى و المساکین و ابن السبیل، یکی دیگر هم دارد حالا یکی دیگرش را یادم رفت علی ای حال غارمین در زکات است فقط این جا غارم، رقاب هم این جا آن هم فقط در زکات است هشت موردی که در زکات رقاب و غارمین هست و،

س: و ان الله خمسہ و للرسول و لذی القربى و الیتیمی،

ج: یتیمی، حالا یادم رفت آیه مبارکه از بس می‌خوانیم

س: یعنی ذهن مان می‌آید که یتیمی را می‌گوییم این جا نیامده

ج: نزدیک، گفت یا من قد اختفی لفرط نوره، گاهی از بس که ظاهر می‌شود آدم فراموش می‌کند نمی‌شناسد علی ای حال این جا یتیمی دارد که باز در آن آیه زکات ندارد این دوتا آیه با همدیگر موارد فرق می‌کند علی ای کیف ماکان آن وقت این به اصطلاح اگر غنائم را زدیم به غنائم دارالحرب بخواهیم توسعه بدهیم چند راه دارد حالا من نمی‌خواهم یکی این که اساساً در لغت اصلش این طور بوده و مثلاً قرطبی نوشته غنیمت در لغت مطلق درآمد است، ایشان نوشته و شعر آورده: اطوف ثم اطوف شعر آورده عربی که غنیمت در غیر از غنائم جنگ هم مثلاً می‌روم سفر غنائم گیرم می‌آید غیر از غنائم جنگ هم گفته شده، بعد خودش می‌گوید و لكن الاجماع قام علی ان المراد بها خصوص غنائم دارالحرب خب معلوم است اجماع نمی‌آید آیه را تفسیر بکند واضح است دیگر خود همین تعبیرش بلی خرابش واضح است علی ای حال، حالا آن یک بحثی یک بحث دیگری که هست این است که در روایات ما دارد جمیع ما افاد الرجل بازهم فائده ولو مثل غنیمت نیست غنیمت در حقیقت جانش را در خطر می‌اندازد آن وقت آن مقداری که مصرفش است هیچی، بقیه‌اش زائدش این مال جامعه بوده از این مقدار زائد بیست درصدش را خدا می‌گیرد بقیه‌اش مال خودش این ترتیب اصل قصه‌ای که وارد شده به این صورت و لذا هم من جای دیدم بعدها گشتم پیدایش نکردم، غنائم به اصطلاح جنگ بدر یکصد هزار درهم بود بیست هزار درهمش رسول الله گرفتند برای خرج خودش و زن و بچه‌ها و این‌ها بقیه هشتاد هزار درهم را تقسیم کردند بین جنگنده‌ها رزمنده‌ها به اصطلاح این را من دیدم اما بعدها گشتم پیدایش نکردم نمی‌دانم کجا هم دیدم یادم نیست اما بعدها پیدایش نکردم علی ای کیف ماکان اینی که بیاید آقای خویی بین فائده و غنیمت فرق بگذارد بنا براین که غنیمت خصوص غنائم دارالحرب باشد ممکن است لیکن این باید مثلاً این طور بشود که بگوید مراد امام این است که آن غنائم که در آیه مبارکه مطلق الفائده مراد است این را هم می‌شود گفت مشکلی خاصی ندارد که بگوید امام دارند تفسیر می‌کنند آیه مبارکه، نه این که غنائم ایشان بگوید اگر غنیمت نیست فائده هست نه اصلاً فوائد تفسیر غنائم است این تفسیر آن است و لیکن مشکل کجاست؟ میراث من لایحتسب فائده هم نیست آخر،

س: اصلاً تو تفسیر مرحوم به نظرم قمی هست که بعد از غنائم همین جا به فوائد می‌آورد یا منافع،

ج: منافع نه، افاد الرجل به نظرم یا حضرت جواد است یا حضرت رضاست علی جمیع ما افاد الرجل قال الخمس بعد المؤنه کلمه افاد دارد این افاد با همین فایده هست حالا این یک شرحی، چون ما غیر از مسأله به اصطلاح خمس غنائم قطعی است که رسول الله

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

جمعه: ۲۰۲۲/۱۱/۰۴ - ۱۴۰۱/۰۸/۱۳

صفحه ۱۳

جلسه: ۲۸

.....
خمس را در رکاز هم قرار دادند، به اصطلاح حالا رکاز را بین اهل مدینه و کوفه اختلاف بود به نظرم اهل مدینه می گفتند گنج اهل کوفه می گفتند معدن، یا به عکس بین فقهای اهل سنت کوفه و مدینه اختلاف بود،

س: اصلش رکاز نیست

ج: رکاز نه، رکاز به معنای مثل کتاب، یعنی ما ترکز فی الارض، خود رکز به معنای این که ثابت کرد، رکز سیفه، رکز فی الارض سهم، مثلاً آن رمحه، به اصطلاح نیزه اش را توی زمین ثابت کرد آن وقت اصطلاح رکاز یعنی مالی است که دست نمی خورد تکان نمی خورد اصطلاحاً این است،

س: بلی کنز

ج: حالا کنز هم رکاز است معدن هم در پیش ما که هردو هست هردو جزو رکاز حساب شده هردو گفته شده، شاید یکی از الحاق دیگر هم همین خمس بعد المونه باشد یعنی مقدار مؤنه سال بگذارید کنار بقیه این مالی است که در سال در یک سال دست نخورده ثابت بوده یک احتمال دارد که تعمیم رکاز باشد یک احتمال دارد تعمیم رکاز باشد یک احتمال دارد که تعمیم غنیمت باشد یک احتمال هم دارد که یک نوع به اصطلاح الحاق باشد به رکاز یا به غنیمت یعنی یک نوع در حقیقت به اصطلاح اجتهاد یک نوع استحسان، استحسان نه شبیه قیاس بگوید چنانچه هم در غنیمت مثلاً الآن در باب رکاز است چه است؟ ابن حزم اختلاف دارد که می گوید فلان، بعد می گوید و ما يدل على ذلك قوله تعالى و اعلموا انما، می گوید این غنیمت هست یعنی غنیمت را به معنای عام گرفته با این که ابن حزم خودش اخباری مسلک است دیگر جزو ظاهری هاست در محلی اش دارد بیاورید در محلی اش می گوید که و ایضاً یشمله قوله تعالى و اعلموا انما غنمتم با این که نیست از غنیمت نیست می گوید اشکال ندارد غنیمت به معنای مطلق فائده است این غرض حالا من وارد،

س: توی روایت دارد فالغنائم و الفوائد یرحمک الله فهی الغنیمه یغنمها المرء و الفائده یفیدها

ج: داریم افاد الرجل

س: کنز را می خواهید

ج: نه افاد الرجل

س: در خود روایت غنیمت را می گوید یغنمها چیز

ج: یغنم و یفید الرجل هردو را آورده حالا این ممکن است از جهت تفسیر باشد ممکن است از جهت الحاق باشد و این متعارف بوده بین علمای اهل سنت، فقیه حق الحاق داشته غیر فقیه نداشته فوقش می گویند آقا این فقیه گفته مراد از غنائم یا مراد از رکاز چون مفروض کلام پیش ما مالی است که یکسال برایش گذشته صرف هم مؤنه نشده این مال به اصطلاح جزو اموالی است که خمس یعنی مثل رکاز است تکان نخورده یک سال است تکان نخورده حالت رکاز حالا عرض کردم، وارد این بحث نمی خواستیم بشویم راه های متعددی دارد که ما افاد الرجل را اثبات بکنیم که درست است به هر حال آنچه که در این روایت مبارکه الآن جلب توجه می کند آن حالتی است که انسان احساس می کند روایت در یک حال خاصی است در یک شرائط خاصی است حالا اسمش را ما گذاشتیم ولایی، ایشان گفته امر شخصی و باید این را دنبالش را گرفت بفرمایید،

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

جمعه: ۲۰۲۲/۱۱/۰۴ - ۱۴۰۱/۰۸/۱۳

صفحه ۱۴

جلسه: ۲۸

س: دیگر کما اتضح انه لا ینبغی الشک فی وجوب الخمس فی الفوائد مطلقاً و عدم الاختصاص بغنائم دارالحرب للاجماع و الكتاب و السنه المتواتره اجمالاً حسب ما اسلفناک، الجهة الثانية لاریب ان هذا الوجوب مشروط باستثناء ما یصرفه فی سبیل تحصیل الربح ج: آن هیچی، آن حالا به جای خودش بعد می خواهید از عروه میراث من لایحتسب تو عروه نمی دانم مسأله چندمش است الآن مسأله اش یادم نیست یا می خواهید فهرستش را نگاه کنید میراث من لایحتسب، هدیه جایزه به اصطلاح ایشان بینید خودش ایشان به میراث من لم یحتسب بالاخره به این روایت عمل کرده یا نکرده؟

س:

۳۹: ۳۵

هست ولی من لایحتسب

ج: از کتاب عروه هست با حواشی متعدد

س: بلی،

ج: بیاور بابا بینیم، من تصادفاً مایل بودم که مثل دیروز نگاه بکنم کتب فقه را مثل مختلف علامه و این ها و جواهر دیگر نشد، این بی حالی که الآن من گرفتیم که می خواستیم بینیم چند نفر از فقهای ما به این روایت عمل کردند حالا گفتیم آقای خویی بعد هم الآن عروه ایشان نگاه می کند،

س: ندارد

ج: آوردید میراث من لایحتسب

س: و منها میراث من لاوارث له را حالا توی این باید می گفت که نگفته انگاری و هذا ممن لا اشکال فيه و قد دلت علیه الروایات المعتمره المذكوره فی کتاب الارث و لم یذكر صاحب الوسائل منها ههنا الا روایه واحده و هی موثقه ابان ابن تغلب عن ابی عبدالله علیه السلام

ج: میراث من لاوارث له

س: آری

س: میراث من لایحتسب دیگر شأن آقای خویی نیست ولی

س: نه نه چیز دیگر است نه نه اشتباه شد نه،

ج: اصلاً ربطی ندارد این،

س: متن عروه متعرض شده من لایحتسب

ج: به نظرم دارد در متن عروه

س: تو این حالا،

ج: تو فهرست نگاه نکردید

س: نه آقا جان این آخر عروه نیست این مستندش است

ج:

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

جمعه: ۲۰۲۲/۱۱/۰۴ - ۱۴۰۱/۰۸/۱۳

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۱۵

جلسه: ۲۸

۳۶: ۴۹

عروه است دیگر

س: می دانم این قسمت بحثش را ندارد

ج: نمی شود اگر تو عروه آمده باشد

س: یک جلد است

ج: بلی یک جلد است دیگر نمی شود نه نمی شود، در هدیه بیشتر به آن روایتی است که در محمد ابن علی ابن محبوب است الهدایا جایزه هم این جا آمده هدیه را ایشان قبول می کند،

س: فهرستش که نیآورده بود

ج: چرا دیگر در مایفضل عن مؤنه سته من ارباح المكاسب به این عنوان، هفتم، ششم هفتم ببینید خود عروه دارد موارد خمس معدن، کنز فلان هفتم یا ششم مایفضل من مؤنه سنه من ارباح مکاسب و این طوری

س: درست است

ج: نیاوردید

س: نه، پیدایش کردم آن قسمت را ولی دارم نگاه نمی کنم تو فهرستش نمی دانم دارد یا ندارد؟ باید باشد قاعدتاً آخر،

ج: چون روایت دارد بعید است نباشد یکی جایزه یا هدیه، می خواهید بدهید من نگاه کنم شاید سریع تر ببینم،

س: عروه این جا بود راحت تر پیدا می شد تو خود عروه،

س: این که فهرستش فرق می کند

س: بلی تو فهرست بعید نیست که

ج: این خامسش مال مختلط به حرام است این سادشش یا سابعش آن است السادس الارض التی هفتم است عرض کردم به ذهن من هفتم بود السابع،

س: تو فهرستش ظاهراً ذکر نکرده، حالا شاید تو متن

ج: این است دیگر صفحه چند؟ دویست و چند است این جا نوشته من عینکم نیست آخر چشمم درست نمی خواند دیدید،

س: بلی ثبوت الخمس فی المیراث التی لایحتسب

ج: بلی عرض کردم دارد نمی شود نداشته باشد،

س: حاج آقای مختاری پیدا شد

ج: بلی احتیاج نیست پیدا شد

س: بلی و منها المیراث و اقوال فی المسأله، صد و سه هم، این را بخوانم

ج: بخوانید متن عروه،

س: متن عروه را، نعم لایخمس فی المیراث الا فی الذی ملکه من حیث لایحتسب، فلا یترک الاحتیاط فیه کما اذا کان له رحم بعید فی بلد آخر لم یکن عالماً

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

جمعه: ۱۴۰۱/۰۸/۱۳ - ۲۰۲۲/۱۱/۰۴

صفحه ۱۶

جلسه: ۲۸

ج: احتیاط کرده فلائیرک الاحتیاط

س: فمات و کان هو الوارث له و کذا لایترک الاحتیاط فی

۲۸: ۳۹

پس این در واقع

ج: احتیاط کرده عمل نکرده به روایت واضح است به روایت عمل نکردند

س: بلی حالا خود آقای خویی ببینیم چه گفتند؟

س: اما

س: حاشیه‌ها را بیاورم

ج: بخوانید

س: ایشان می‌فرماید اقوال را می‌گوید جنابی حاشیه را می‌خواهید بخوانید

س: بلی حاشیه را این‌جا نعم لا خمس فی المیراث الذی، فی المیراث الا فی ملکه من حیث لایحتسب فلائیرک الاحتیاط فیہ این‌جا

اولین حاشیه خورده مرحوم جواهری فرموده الظاهر عدم وجوبه

ج: کلاً عمل نکرده به روایت

س: بعد فرموده کما اذا کان له رحم بعید فی بلد آخر

س: یعنی احتیاط را احتیاطش وجوب

ج: بلی اصلاً

س: بعد فرمودند کما اذا کان له رحم بعید فی بلد آخر لم یکن عالماً به که در آقارضا بود این‌جا توی آقاضیاء حاشیه فرمودند که

لایحتاج الی هذا القید کمالایخفی علی من تدبر، آقای خویی هم این‌جا

س: یعنی بعید لازم نبود بگوید

ج: رحم هم بعید لازم

س: مهم آن است که لم یکن عالماً به،

ج: بلی مهم این است

س: آقای خویی هم فرمودند و قد یتحقق عدم الاحتساب فی الرحم القریب فی البلد مع العلم به ایضاً فی بعض

۴۰: ۴۰

س: ادامه همین بوده بلی بعد تو عروه دارد فمات و کان هو الوارث لک و کذا خب این‌جا دیگر کسی حاشیه ندارد

ج: پس فقط جواهری دارد

س: بلی در واقع فقط مسأله را ایشان دارد

ج: همه‌شان هم احتیاط وجوبی کردند کسی فتوی نداده،

س: هیچ کس تعلیقه نزده،

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

جمعه: ۲۰۲۲/۱۱/۰۴ - ۱۴۰۱/۰۸/۱۳

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۱۷

جلسه: ۲۸

ج: بلی فتوی ندادند

س: کانه یترک الاحتیاط یعنی فتوی به احتیاط داده دیگر

ج: نه فلا یترک الاحتیاط عدم وجوب احتیاط ترکی است احتیاط وجوبی است

س: احتیاط وجوبی

ج: بلی بفرماید

س: بلی می فرماید که و منها از این جا المیراث و الاقوال فی المسأله ثلاثه، عدم وجوب الخمس مطلقاً و لعله المشهور و الوجوب

مطلقاً و قد نسبہ ابن ادریس الی الحلبي مستغرباً قائلاً انه لو كان ثابتاً لنقل بالتواتر كما تقدم و قول بالتفصيل بین المحتسب و غیره،

اختصاص الوجوب بالثانی اما وجوب المطلق فمع انه لا مقتضى له لانصراف كلمه الغنيمه و الفائده من مثل الارث

ج: خب تمام شد همان حرفی که من به شما گفتم

س: خب انصراف می گوید این چه انصرافی است

ج: می گوید شاملش نمی شود چون پدر آدم فوت کرد به آدم برسد که نه فایده ای است نه غنیمتی، حالا در آن جا قبول کرد تصادفاً

که مصداق فائده است،

س: بلی

ج: خلاف ظاهر است

س: بلی

ج: بفرماید

س: عن مثل الارث کما لا یخفی یرده ما اشار الیه ابن ادریس یعنی این علاوه بر این که فمع انه لا مقتضى، یرده ما اشار الیه ابن ادریس

من ان مسأله الميراث عامه البلوی و محل للابتلاء المسلمين فی کل زمان و مکان بل یتفق فی کل يوم، فلو كان الخمس ثابتاً فيه

لظهر و بان و كان من الواضحات مع انه لم يتعرض له احد من الفقهاء غیر ابی الصلاح، ابی الصلاح فهی، یعنی حلبي دیگر فهو

ایضاً غیر محتمل فی نفسه، پس این اصلاً کلاً

ج: احتمال وجوب مطلقاً

س: و اما التفصيل، پس قول اول نه، و اما التفصيل المزبور بلا بأس به و قد دلت علیه صریحاً صحیحه علی ابن مهزیار الطویل و لا

موجب لرفع اليد عنها بعد صحه السند و صراحه الدلاله، و ما ذکر آنفاً من انه لو كان ثابتاً لانه لو

۷: ۴۳

طبق مبنای خودش شاید آقای خویی می گوید دیگر لو كان ثابتاً لنقل بالتواتر لا یجری فی هذا القسم من الارث لندرته و شدوده و

خروجه عن محل ابتلاء العموم فعدم التعرض له فی کلمات المتقدمين من الفقهاء لا يدل عم التزامهم بالوجوب بوجه

ج: عجیب است این مطلب ایشان چون در کتاب قدمای ما وقتی در کتاب علی ابن مهزیار آمده و تعرض نکنند خودش کافی است

دیگر

س: بلی بلی

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

جمعه: ۲۰۲۲/۱۱/۰۴ - ۱۴۰۱/۰۸/۱۳

صفحه ۱۸

جلسه: ۲۸

ج: ابتلاء را نگاه نکنند، عجیب است از ایشان

س: چون ایشان مبنایش این است که اعراض را قبول نکنند

ج: نه می گوید اصلاً چیزی نشده، لنقل، آخر آن می گوید اگر بود نقل می شد، خب این روایت هم که در کتاب تهذیب آمده عمل کرده بودند خب مانعی نبود خب فقهای بعدی زیاد اند یکی دوتا نیستند عمده فقهای ما بعد از شیخ هستند خب قبول می کردند، س: یعنی حکمش نبوده دیگر حکمش نشان می دهد نبوده چون هیچ کدام متعرضش نشدند آن روایت بوده که فوقش اعراض کردند که ایشان هم قائل به اعراض نیست که،

ج: نه می دانم ایشان می گوید لم يتعرض احد من الفقهاء لا اقل می گفتند و فی روایه لیکن عمل نمی کند اصلاً متعرض روایت آن نشده،

س: نشدند

ج: نشدند

س: حالا این لوکان لبان را می آورد دیگر آن قاعده جاری می شود می گوید اگر یک همچو حکمی بود به یک روایت اکتفاء نمی شد می آمد بالاخره پیدا می شد،

ج: نمی آمد اصلاً فقهاء این روایت صحیح را می دیدند می گفتند دیگر خب

س: حکم ندادند بهش، اعراض کردند

ج: بلی اعراض کردند حالا بخوانید ایشان می گوید آن مطلب این جا نمی آید چرا به لحاظ فقهاء می آید نه به لحاظ خود حکم، چون فقهاء دیدند کلام شیخ را روایت را که دیدند نمی شود روایت را ندیدند که،

س: بلی، فلاموجب لطرح الروایه الا ان یدعی الاجماع علی خلافها و لم یثبت قطعاً

ج: چرا؟ ایشان بنایشان به این است که اگر روایت صحیح بود ولو مشهور اعراض کردند کفایت نمی کند باید تسالم بر نفی باشد آن جا به درد می خورد، این یدعی الاجماع مرادشان از اجماع تسالم است

س: تسالم است

ج: مراد تسالم است لیکن در مقام تطبیق بیان نمی کنند مثلاً چندتا از فقهاء عملاً به این عمل کردند یا چندتا از فقهاء عملاً این را آوردند و رد کردند این را تطبیق نمی کند

س: و دعوی و هنها باعراض المشهور عنها فی هذه الفقره یدفعه منع الصغری اولاً غایته انهم لم يتعرضوا لا انهم اعرضوا عجیب است این حرف،

ج: خیلی عجیب است خب روایت را دیدند قرن پنجم شیخ طوسی در کتاب تهذیب

س: صغری را واقعاً به زور داده ولی کبرا را خودشان قبول ندارد هیچ،

ج: خیلی عجیب است،

س: و مع انه ثانیاً لعدم سقوط الصحیح فی الاعراض عن حجیه الا ان نقطع بخلاف

ج: نقطع این جا دارند جای دیگر می گویند تسالم باشد

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

جمعه: ۲۰۲۲/۱۱/۰۴ - ۱۴۰۱/۰۸/۱۳

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۱۹

جلسه: ۲۸

س: تسالم فقهاء

ج: تسالم فقهاء، تسالم فقهاء باشد بر نفی روایت علی ای حال مطلب ایشان خیلی تعجب آور است

س: بعد نتیجه و لا

ج: و مشکلی حل مشکل بهترش به این است که ایشان کاشکی بیان می کردند که فرض کن به این که روایت در قرن پنجم آمده بعد از قرن پنجم که و که و که بهش عمل کردند و به تعبیر خود ایشان مشهور عمل نکرده آن های که عمل کردند می گفت که لا اقل انسان خیال نکند اجماع، حالا این را در جواهر بیاورید جواهر گاهی اوقات جواهر را بیاورید،

س:

۴۶: ۴۴

س: ایشان فتوی می دهد

ج: میراث من لایحتسب، بلی ایشان لایخلو عن قوه

س: این که سقوط خمس دیگر ایشان

ج: خلافتی در حاشیه عروه شان چیزی نیاورده،

س: من حیث لایحتسب جالب است ایشان فتوی دارد می دهد دیگر می فرماید فالقول بسقوط الخمس فی غیر المحتسب، فی غیر المحتسب

ج: البته محتسب باید خوانده بشود در حساب نبوده در خیال نبوده

س: یعنی تصور نمی کردند همچون مالی

ج: تصور نمی کردند همچو مالی گیرش بیاید

س: به این جهت می گویند غیر محتسب

ج: بلی در حسابش نبود،

س: مال الغير المحتسب

ج: مال در غیر محتسب

س: فکر نمی کرده ناگهانی آمده

ج: ناگهانی پول آمده، لایخلو عن قوه اما حاشیه عروه که خواندند نزده حاشیه، مگر حاشیه قبلی ایشان بوده الآن که ایشان حواشی را،

س: این جا دیگر صریحاً گفته که فتوی داده دیگر

ج: این را نمی دانم این حواشی البته آقای خوبی یک حاشیه عروه دارند که همان اوائل نوشتند همان در مجلس استفتاء و این ها نوشتند با افرادی که فضلاء بودند بعد که این دوره، آخر ایشان از نادر فقهاء بود که یک دوره عروه را کامل درس دادند که آن دوره ای که من می رفتم ایشان دوره عروه را کامل درس دادند از اول، همان مقداری که عروه داشت مثلاً نکاح عروه ناقص است یک مختصر همان مقدار دیگر اضافه نکردند فرض کنید حج عروه ناقص بود همان مقداری که بعد البته حج را بالخصوص باز

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

جمعه: ۲۰۲۲/۱۱/۰۴ - ۱۴۰۱/۰۸/۱۳

صفحه ۲۰

جلسه: ۲۸

روی مناسک درس گفتند، بعد این منشأ شد که کل عروه را ایشان درس گفتند عرض کردم در بعض از ابواب ناقص است به همان مقدار به همان مقدار اما یک دوره کامل ایشان عروه را درس گفتند بعد از این که دوره کامل درس گفتند که این نوشته ها مال آن دوره است یک نکات جدیدی را اضافه کردند این تعلیقه دارد ایشان یک تعلیقه دارد اخیراً که مدینه العلم چاپ کرد، تعلیقه مبارکه این تعلیقه ایشان مال بعد، این مال بعد از دوره درس است در آن جلسه ایشان همان احتیاط و جویی بود بعد تبدیلیش کردند به فتوی به قول شما، لایخلو عن قوه، دیگر دوتا حاشیه دارند یک حاشیه ای قدیم که غالباً در کتب چاپ شده آن حاشیه قدیم است،

س: تو این دوره اخیر چاپ شده این

ج: این حاشیه است مستقلاً چاپ شده این بعد از این است یعنی بعد از دوره اخیر است بعد از این تدریسی که دوره اخیر سریع یک دوره عروه را گفتند یک حاشیه ای جدیدی دارند احتمالاً اگر گفته لایخلو عن قوه تو حاشیه جدید است،
س: این تو بحث این که مراد از فائده چه است؟ به چندتا چیز استناد کردند در بحث خمس بعد گفتند که

ج: البته من خودم هم باز شاید نگاه کنم حالا،

س: و فی مکاتبه ابن مهزیار فی الصحیح الطویلۃ المشتمله علی اباحه نوع من الخمس للشیعه فی بعض السنین قال فیها این جا میراث لایحتسب را آورده،

ج: خب

س: بعد این جا این را گفته، یک خرده جلوتر که رفته تو بحث موارد خمس بحث میراث را که گفتند آن جا فقط کلیت را گفتند، گفتند که

ج: ایشان یک مشکلی که دارند نقل اقوال نمی کنند این یک مشکل،

س: کلاً

۵۰:۰

ج: نیستند و این خوب نیست،

س: بعدش فرمودند که قد یستفاد من معقد اجماع الغنیة و بعض العبارات خبر الاشعری و موثقه سماعه و مکاتبه یزید و خبر السرائر و الرضوی و الصحیح ابن مهزیار و مفهوم خبر ابن عبدالربه، و ان کنا لنجد

۵۰:۱۹

بظاهره من التفصیل قد یستفاد تعلقه بنحو الهبات و الهدایا و الجوائز بل و الموارث و غیرها

ج: موارث که کسی به اطلاقش نیست خیلی ضعیف است که

س: عرض کردم همین اطلاق را ایشان گفته، الا ان ظاهر الاصحاب عدمه نعم حکى عن ابی الصلاح تعلقه بالهبه و الهدیه و المیراث و الصدقه و انکره علیه ابن ادریس که خواندیم

ج: خب

س: بعد و قال انه لم يذكر احد من اصحابنا غیره ولو كان صحيحاً لنقل امثاله متواتراً و الاصل برائۃ الذمه،

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

جمعه: ۲۰۲۲/۱۱/۰۴ - ۱۴۰۱/۰۸/۱۳

صفحه ۲۱

جلسه: ۲۸

ج: خب

س: لیکن لایخفی علیک قوه من جهه الادله بل مال الیه فی اللغه و الاحتیاط لاینبغی ان یترک بعد دیگر رفتند که هبه،

ج: لاینبغی احتیاط استحبابی است البته،

س: این لمعه فتوایش داده

ج: نمی دانم این طوره

س: بعد ایشان می گوید این که دیگر بعد می رود آن بحثی که هبه اصلاً جزء کسب است آن بحثی که می روند

ج: این در هبه اش نه میراث من لایحتسب را می خواستیم

س: بعد عرض شود که ربح را هم بحث می کنند که تفاوتی در اقسام ربح نیست

ج: چرا هست، این چندتا حاشیه عروه است یک حواشی که همین جامع المدرسین شانزده تا حاشیه است،

س: این چاپخانه همان شانزده حاشیه است

ج: پانزده حاشیه است

س: همان شانزده تا هم اضافه بوده

ج: معلوم می شود آقای خوبی هم به اصطلاح با آقاضیاء فقط یک حاشیه ای در آن عنوان من لایحتسب زده

س: بلی

س: یک چهل حاشیه هم چاپ شده

ج: چهل و سه تا مثلی که، من شنیدم چهل و سه تا

س: دیگر در مورد میراث ایشان دیگر صحبت دیگر نمی کنند بغیر از آن، بعد می روند بحث مؤنه را مطرح می کنند که مؤنه چه

است؟ و مصداق، تعریف مؤنه چه است؟ باز هم

ج: حالا این احتمال دارد باز تو مفتاح الکرامه متعرض اقوال شده باشد میراث من لایحتسب بیشتر او متعرض اقوال می شود،

س: ولی این جواهر خیلی

ج: نه جواهر هم گاهی عینی، گاهی شده یک صفحه عین عبارت مفتاح الکرامه ورداشته نقل کرده از ایشان، عین مفتاحی، عبارت

مفتاح الکرامه را آورده، ببینید پیدا نمی شود

س: کشف اللثان زیاد دارد، معروف است می گویند مرحوم جواهر اگر کشف اللثام را نمی دید

ج: چرا رو کشف اللثام و رو همین مفتاح الکرامه و این ها خیلی نظر دارد چرا، آقای خوبی به همین مستند نراقی و مدارک و

حداث تا حدی جواهر و مستمسک آقای حکیم، اسم نمی برد اما نقل می کرد مطلب را می گفت اسم ایشان را نمی برد،

س: نه تعبیر به بعض الاعلام می کند

ج: نشنیدم نه اما غالباً می گفت و یحتمل مثلاً به این عنوان، اما این که بیاورد کلام ایشان را به عنوان این که مثلاً و قال سیدالحکیم

مثلاً نه،

س: مفتاح الکرامه بحر لجی،

ج: خیلی خوب آقا،

س: پیدا کردنش

ج: حالا تمام شد دیگر خیلی خوب آنی که من به ذهنم می‌رسد اگر این آقایان این توجه را می‌کردند آنی که به ذهن من می‌رسد این است که این روایت کلاً صدرأ و ذیلاً کلاً در باب حکم ولایی است از اول روایت فقره اول و دوم و سوم
س: یعنی همه جزء این حمل بر ولایت

ج: بر ولایت فقط چیزی که هست این یکی، یکی چون تو ذهن آقایان در باب حکم ولایی آمده که مثلاً در یک حکمی را شارع به عنوان به قول ایشان شخص یا به عنوان کذا، ولایت اعمال بکند لیکن به ذهن من می‌آید که حکم ولایی تابع فقط این جهت نیست حکم ولایی به موضوع هم می‌خورد این نقطه اساسی اختلاف،
س:

۲: ۵۴

ج: در تفسیر موضوع ممکن است امام اعمال ولایت بکند مثلاً غنیمت را دائره‌اش را توسعه بدهد نه این که حکم را عوض بکند حکم یکی است،
س: وجهی ندارد آخر، چه وجهی دارد؟

ج: چرا

س: اگر حکم ولایی است دایره مدار موضوع نیست که

ج: چرا، حکم ولایی چون می‌گویم می‌خواهد برای این که این استئناس ذهن حفظ، آنچه که به عنوان غنیمت است و لذا خوب دقت کنید، و اما الغنائم و الفوائد فهی واجبه علیهم فی کل عام این اشاره‌ای به آیه است یعنی این جهت خود حکم است، اولش که خب گفتیم اولش هم مشکل دارد آخرش هم مشکل دارد می‌ماند این قسمت وسط آنچه که در این جا جنبه ولایی پیدا می‌کند همان اشکالی که ابن ادریس کرد خب فرض کنیم خود مرحوم شیخ کلینی خود مرحوم صدوق نیاروند روایت را با این که در قم هم بوده روایت، اصلاً آن روایت از قم به این‌ها به شیخ طوسی رسیده بعد هم در فتاوی اصحاب نیامده آن آقایی هم که آمده از امام سؤال می‌کند آن بخش سوم است این هم تازه می‌گوید فرمودند نصف السدس پس خمس چه جوری است؟ مؤنه یعنی کاملاً واضح است فضا یک فضای خاصی است آن وقت اگر ما بیاییم تمام روایت را بگوییم یک خصوصیتی در زمان امام سلام الله علیه واقع شده طبق این خصوصیت امام این طور فرمودند، مثلاً فرض کنید اموال مزدکی‌ها اموال خرمی‌ها بابک خرمی که امام می‌فرمایند من شنیدم اموال عظامی از خرمی‌ها به شیعه رسیده این خب معلوم است این اصلاً معلوم نیست، نه رفتند معامله کردند رفتند فرض کنیم فرض کنید در زمان ما داعش را گرفتند یک چندتا ساختمان مال داعش بود، افراد رفتند آن تو فرض کنید اسلحه غیر اسلحه پیدا کردند این آقا موسوی تهرانی حالا ضبط هم می‌شد می‌گفت آن شبی که به اصطلاح جریان مصدق پیش آمد، ایشان می‌گفت من بودم آن‌جا، نمی‌دانم برایتان نقل کردم گفت من درخانه مصدق بودم در همان تهران، خود آقای موسوی تهرانی می‌فرمود یک آقایی اسمش را برد نمی‌دانم حاجی فلان، این ایستاده بود آن‌جا می‌گفت مردم، گفت شب عید قربان هم بود این اموال از گشت قربانی حلال‌تر است، مردم ریختند داخل می‌گفت من نگاه می‌کردم یخچال همین جوری هل می‌دادند می‌بردند

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

جمعه: ۲۰۲۲/۱۱/۰۴ - ۱۴۰۱/۰۸/۱۳

صفحه ۲۳

جلسه: ۲۸

گفت هنوز یادم است یک خانمی رو سرش یک تشتی گذاشته بود شیشه‌های مربی و نمی‌دانم فرض کنید به این که ربّ و تو آن گذاشته بود آن‌هم می‌برد بعد رفتند چارچوب درها را هم کردند چون چارچوب‌هایش را هم کردند ایشان می‌گفت من بودم آن‌جا ایستاده بودم هرچه توانستند غارت، خب حالا این‌ها خمس باید بدهند، طبق این تصور،
س: این‌ها کلاً خمس ندارد،

ج: نه،

س:

۵۶: ۵۲

س: که؟

ج: مفتاح الکرامه

س: هردو چاپش را چک کردم،

ج: شاید ندارد بلی

س: پیدا شد آن کسی که خمس را نیاورده

ج: نیاورد بلی،

س: حاج آقا گفت آن فقیه بوده

ج: آخر یک آقای اسم نمی‌برم دیگر در درس خارج شروع کرد اول درس خارج گفته بود آقایون اقوال را نگاه بکنید حالا حال ندارید لااقل، بحث حج را می‌گفت لا اقل کتاب مفتاح الکرامه را ببینید یکی از شاگردها گفت آقا ایشان کتاب حج ندارد اصلاً مفتاح الکرامه حالا این که کتاب خمس هم مثل همان قصه، گفت اصلاً اسم طرف را نمی‌برم من، گفت

۵۷: ۲۷

کتاب الحج را ندارد ایشان، شما می‌گویید لااقل مفتاح الکرامه را نگاه بکنید

س: باید برگردیم به این نکته

ج: دقت بکنید دقت می‌کنید چه می‌خواهم بگویم

س: هنوز گیر کردیم

ج: بلی اشکال ندارد پخته بشود دقت بکنید آیا مثلاً اگر مثل همین قصه مصدق یا قصه‌ای داعش بگویم امام فرمود اصلاً این واضح است یک قصه خارجی معنی است آن شش، اصلاً میراث من لایحتسب الجایزه من الانسان، الجایزه اصلاً نه صدق عنوان فائده می‌کند حالا ایشان می‌گوید

۵۸: ۰

مصادیق فایده چه جور فایده است؟ تملک من شده اما تملک راه‌های متعدد دارد غنیمت فرض کنیم در لغت از راه جنگ است یا غنیمت، اصلاً بعضی آمدند گفتند هدیه از ابرز مصادیق غنیمت است، شاید به قول همینی که اول بحث گفتیم غنیمت را فارسی حساب کردند و الا غنیمت کاملاً کاملاً واضح است با مجموعه شواهدش عبارت از مالی است که انسان به دست می‌آورد مالی که

.....
انسان بر اثر بذل جهد، بدون بذل، آن وقت این مالی که بر اثر بذل جهد به دست می‌آورد آن مقداری که به ازاء بذل جهد است هیچی، یعنی اصطلاحاً مؤنه زائد بر آن مقدار را می‌گویند غنیمت اصلاً غنیمت عنوان دارد، یعنی غنیمت این طور نیست که هر مالی که گیر انسان هدیه عنوان دارد ببع عنوان دارد ارث عنوان دارد، این‌ها همه‌شان عنوان دارد به مجرد مطلق تملک صدق برش نمی‌کند،

س: لغت می‌فرماید دیگر

ج: بلی لغت این طور است خب واضح است کاملاً،

س: لغت را در لغت غنیمه ای نفع

ج: نه ابداً همچو چیزی نیست نه، شواهد لغویش حتی آن‌های که آمدند غنیمت را توسعه دادند دیگر حالا بحث خارج می‌شویم، بعد بیاورید نه مشکل ندارد فرض کنیم قرطبی را بیاورید در غنیمه، فاعلموا انما غنتم اینی هم که ایشان مثال می‌زند باز هم به معنای انتفاع نیست غنیمه به معنای در لغت عرب بذل جهد درش ملاحظه شده، زحمت کشیدن الآن قرطبی را بیاورید تفسیر قرطبی ذیل آیه، اطوف بالبلاد، و چه است؟ اطوف فی البلادی، بعد غنیمه یعنی مخصوصاً آن زمان راه رفتن به شهرها و جاهای مختلف آن را می‌گفتند غنیمت و لذا احتمال دارد که غنیمت فرق اساسش با فایده این باشد در غنیمت بذل مشقت هست در فایده بذل مشقت نیست آن آسان گیرش آسان مثلاً با یک معامله با یک خرید و فروش اما در غنیمت کانما غنیمه اصلاً و لذا هم به خصوص جنگ می‌زدند یا تجارت می‌زدند تجارتی که می‌رفتند بیرون زحمت می‌کشیدند یا به سفرهایی که می‌رفت اینی که آدم وقتی نگاه می‌کند غنیمت اصولاً شاید به یک معنای اخص از فایده به این معنی در فائده نه یک چیزی خرید فروخت گیرش آمد افاد الرجل این فائده است اما غنیمه این نیست، حالا بیاورید خود قرطبی که اعم از این‌هاست در باب غنیمت یک مشقت هم خوابیده این طور نیست که فقط بذل جهد باشد،

س: بعضی از این لغوی‌های فارسی می‌گویند آنچه که بی‌زحمت به دست آید، می‌گویم ترجمه است ترجمه که نه دیدیم بعضی‌ها نوشتند غنیمت یعنی هدیه است هدیه من ابرز مثلی که آقای خوبی نوشته من ابرز مصادیقی، خب اگر این باشد بی‌زحمت میراث جزو ابرز مصادیق غنیمت است، میراث جزو ابرزش است از هدیه هم مهم‌تر است،

س: الغنیمه ببخشید، جلد هشت صفحه ۱ اول جلد هشت است: الغنیمه فی اللغة ما یناله الرجل او الجماعة بسعی،

ج: ببین

س: و من ذلك قول الشاعر: فطوفت فی الآفاق، حتی رضیت من الغنیمه بالایابی

ج: ببینید لقد طوفت، من خواندم اطوف اشتباه لیکن دارد فی الآفاق، لقد ببینید بسعی، همین که ایشان نوشته همین درست است یعنی بلکه بالاتر فقط به مجرد این نیست که گیری، اگر آدم آمد بدون، فرض کنید خرید و فروخت، خرید کتاب را ده تومن فروخت دوازده تومن، به این می‌گویند ربح به این می‌گویند فائده غنیمت نمی‌گویند اینی که بی‌زحمت غنیمت این معنایش این است که میراث از ابرز مصادیق غنیمت باشد فرقش اصلاً باید فایده پیدا نمی‌کند لقد طوفت فی الآفاق، چه بخوانید آقا؟

س: این یک مصداقش است از این نمی‌شود این را فهمید که فقط این است

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

جمعه: ۲۰۲۲/۱۱/۰۴ - ۱۴۰۱/۰۸/۱۳

صفحه ۲۵

جلسه: ۲۸

ج: نه شعر است دیگر، غنیمت جنگی، که خب ابرز مصادیقش است خب آنجا جانش در خطر است یا می رود معدن در می آورد یا می رود گنج در می آورد،

س: ابن منظور دارد که هر مالی که به انسان عاید شود غنیمت است،

س: نه روشن، ابن منظور که متأخر است روشن نیست باید ببینیم از کجا آورده،

س: می گوید هرچه گیر آدم بیاید، می گویند هرچه گیرت آمد مغتنم است

ج: مغتنم است، نه فارسی است این در فارسی، عرض کردم این فارسی است قبول دارم

س: نه اغتنم الفرصه

ج: حالا بعد بلی بعد بخوانید باز هم می آید لقد طوفت فی الآفاق، دوماً حتی رضیت بالغنیمه همین که سالم رسیدم این غنیمت من است از این سفر همین که سالم رسیدم

س: مجاز

ج: نه قطعاً حقیقت است

س: سالم رسیدن را کسی نمی گوید

ج: می گوید همین مقدار برای من بس است حالا نمی خواهد چیزی دستم بیاید همین که سالم رسیدم این همه شهرها را رفتم سالم رسیدم این خودش، خب واضح است و لذا هم می گوید ما یناله الرجل بسعی درست است همین مطلب است،

س:

۵۲: ۳: ۱

بدون سعی،

ج: این ها گفتند بدون سعی، یعنی درست دقیقاً آمدند هدیه را، اگر آن باشد میراث که خب ابرز مصادیقش است، دیگر هیچی ندارد پدر مرد همه اموال، با این که قطعاً کسی از فقهای ما خود آقای خویی قبول کردند در مطلق میراث کسی قائل نشده البته این را بگویم من در یک کتابی است الوشیعه فی نقض عقاید الشیعه، مال موسی جار الله نمی دانم دیدید،

س: بلی آقا شرف الدین نقل کرده آورده

ج: اجوبه المسائل اجوبه مسائل جار الله شرف الدین رد کرده، تصادفاً ایشان چون سعی می کند عقاید شیعه را رد بکند می گوید و ذهب الشیعه که مراد از غنیمت مطلق است شامل میراث و هدیه هم می شود می گوید این حرف خوبی است حالا ایشان هم دارد با این که سنی است دارد می گوید شامل میراث و هدیه و هبه و تمام این ها می شود،

س: با لغت نیست

ج: با لغت نیست و لذا می گوید این حرف خوبی است این حرف شیعه خوب است اختصاص به غنائم دارالحرب ندارد واضح است یعنی انسان انصافاً نگاه می کند موارد مصرف غنیمت را این بدون زحمت نیست به عکس است با زحمت است بسعی، شعر دیگر هم دارد به نظرم یکی دیگر،

س: مسأله ای بود قبلاً من عرض کردم بحثش را هم بنا بود که بخوانیم و آن این که حکم حکومتی در موضوعات هم جاری است،

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

جمعه: ۲۰۲۲/۱۱/۰۴ - ۱۴۰۱/۰۸/۱۳

صفحه ۲۶

جلسه: ۲۸

ج: همین را گفتم دیگر همین،

س: عرض می‌کنم که اصلاً

ج: آن وقت این جا

س: حکم حکومتی قوامش به همان حکم حاکم است دیگر لازم نیست تحت این موضوع

ج: نه امام می‌خواهد بگوید این‌ها را هم این‌ها غنائم است این‌ها هم خمسش را به من بده،

س: لازم نیست

ج: لیکن نه نمی‌خواهد دقت کنید دقت کنید نمی‌خواهد مثلی،

س: عذر می‌خواهم آن حکمی که در

۳۲: ۴: ۱

درش آن حکم اولی و حکم شرعی است، این حکم نمی‌تواند آن‌ها مفسر باشد نمی‌تواند حکومت داشته باشد

ج: چرا؟

س: دلیل

۳۸: ۴: ۱

ج: دقت کنید یعنی چطور شما در غنائم می‌آیید تخمیس می‌کند بعد از مؤنه این‌ها غنیمت است این‌ها هم اصلاً لسان

س: نه، احکام حکومت می‌فرماید شما

ج: بلی بلی

س: یعنی می‌تواند یک حکم حکومتی مفسر یک حکم غیر حکومتی باشد حکم حکومتی متفاوت است آخر

ج: یعنی چه؟ نه غنیمت که آیه قرآن، فی کل عام یعنی حکم اولی‌اش واقعی است و اما الغنائم فهی واجبه فی کل عام، این که آیه

قرآن است کاری که امام بعد می‌کند مثل همان نصف السدس فقط در نصف السدس تصرف در حکم است این جا تصرف در

موضوع است شما الآن اموالی را از داعش گرفتید این‌ها خمسش را بده، اموالی از کذا گرفتید خمسش را بدهید با این که صدق

س: قوامش به حکم حاکم است نه این که در یکی حتماً باید از کانال موضوع وارد بشوی،

ج: چرا برای این که آن موضوع

س: آن موضوع را توسعه داده اشکال ندارد

ج: نه چرا نمی‌تواند دارد توسعه می‌دهد می‌گوید من تا هستم الآن برای امسال

س: بحث حکومتی را می‌گویید

ج: بلی نه این که توسعه‌ای یکدفعه می‌خواهد بگوید اصلاً غنائم شامل این‌ها هم می‌شود آقایون این جور فهمیدند یکدفعه می‌خواهد

بگوید الآن این سال دویست و بیست این طور است

س: الآن شاملش می‌شود

ج: الآن شاملش می‌شود،

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

جمعه: ۲۰۲۲/۱۱/۰۴ - ۱۴۰۱/۰۸/۱۳

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۲۷

جلسه: ۲۸

س: غیر حکومتی است، حکومت مفسر ما حکم واقعی را داریم می‌گوییم

ج: حکم واقعی خود غنیمت است، هست حکم واقعی اگر این جور بفهمیم اگر ما گفتیم کل روایت را بگیریم به عنوان حکم ولایی، دوتاش را بگیریم به عنوان حکم ولایی، دوتاش یکش را بگیریم به عنوان تصرف در موضوع یعنی همان آثاری کیفیتی که در باب تخمیس غنائم است حالا ارباح مکاسب حالا ارباح مکاسب چون قبلش یک شبهه‌ای ایجاد شده مثل غنائم دارالحرب شما این‌ها را هم به همان منزله یعنی مؤنه‌اش را بدهید بعد از، همان ترتیب همان خصوصیات همان خصوصیات، این‌که می‌آید تصرف، چون می‌گوید این مطلب را من امسال می‌گویم سال دویست و بیست فقط، امسال شما از این اموال چون شنیدم اموال زیادی از خرمی‌ها به شیعه رسیده شما خمسش را بدهید، لیکن تصرفی که امام می‌آید می‌کند نمی‌خواهد این حکم بده، می‌خواهد بگوید این‌ها هم به اصطلاح غنیمت است آن وقت اگر بخواهیم بین این شش مورد یا هفت مورد است روایت را می‌خواهید یکبار دیگر بخوانید،

س: این فقط شعر بعدی را

۵۶: ۷: ۱

الغنمه يوم الغنمه مطعمه انا توجه و المحروم مرحوم،

ج: محروم، علی‌ای حال دقت بکنید آن شش مورد یا هفت است من فکر می‌کنم امام می‌خواهد یک معنای جدیدی را از غنیمت بدهد، غیر از این، غنیمت یعنی مال باد آورده مالی را که در حساب‌تان نبود، بخوانید شما،

س: یعنی الغنائم و الفوائد

ج: توسعه موضوع لیکن برای سال خودشان،

س: توسعه می‌دهید حکم حکومتی نمی‌شود

ج: چرا دیگر حکم حکومتی می‌شود

س:

۲۴: ۷: ۱

ج: نه نمی‌دهد لسان لسان واقعی نیست چون اولش گفت مال امسال است و لذا هم اصحاب عمل نکردند سر عدم عمل اصحاب این است این است که کلینی نیاورده این است که صدوق نیاورده،

س: یعنی آن‌ها حکومتی فهمیدند

ج: همه را حکومتی یعنی امام می‌گوید امسال این‌ها را خمسش را بدهید باش معامله غنیمت بکنید من امسال گفتم سال دویست و بیست نه مطلقاً این تمام مشکل روایت حل می‌شود

س: این اشکال را چه جور جواب می‌دهید، که حکم حکومتی قوامش به ما رأه الحاکم است

ج: خب همین ما رأ الحاکم در امسال گفت امسال فقط سال دویست و بیست،

س:

۰: ۸: ۱

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

جمعه: ۲۰۲۲/۱۱/۰۴ - ۱۴۰۱/۰۸/۱۳

صفحه ۲۸

جلسه: ۲۸

در حکم تصرف می کند مگر نمی داند

ج: در موضوع تصرف می گوید آقا شما امسال چنین پول های گیرتان آمد عده ای رفتید مثلاً عده ای رفتید تجارت خارجی، عده ای رفتید فلان جا پولی پیدا کردید این ها را هم جزء غنیمت حساب کنید خمسش را بدهید این در حقیقت این است، بعد اجازه بدهید آقای خادمی نکته این است آن حکم اولی که گفت سال دویست و بیست فقط به هرسه بنزید آقایون گفتند چون گفته فی کل عام پس به آن نمی خورد خب حکم سوم هم ولایی است اصلاً سر این که آقایون قمی ها نیاوردند کلاً ازش حکم ولایی فهمیدند آن هم فهمیده فی عامی هذا فقط، پس آن غنائم فی کل عام حکم الهی است، امسال غنیمه، امسال سال دویست و بیست این ها هم جزو غنائم است باش معامله غنیمت بکنید آن وقت در این جا اگر دقت بکنید تمام مصداق هایش را بخوانید مال بادآورده غنیمت خب این تفسیر غنیمت،

س:

۹: ۱

بخوانم

ج: بخوانید

س: و الغنائم و الفوائد یرحمک الله فهی الغنیمه یغنمها المرء

ج: خب

س: و الفائده یفیدها و الجائزه من الانسان للانسان

ج: التی لها خطر، یعنی مال باد آورده

س: و المیراث الذی

ج: این هم مال بادآورده،

س:

۲۰: ۹: ۱

ج: این هم مال بادآورده،

س: مثل عدو یستلم یا یستلم فیؤخذ ماله و مثل مال یؤخذ

ج: و لایعرف له صاحب

س: و لا یعرف له صاحب

ج: خب

س: و ما صار الی موالی من اموال الخرمیه

ج: خرمیه، یعنی این ها را هم امسال امسال به شما می گویم آن ها فهمیدند امسال

س: این ها که تفسیر غنیمت نیست که،

ج: چرا فهی الغنیمه،

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

جمعه: ۲۰۲۲/۱۱/۰۴ - ۱۴۰۱/۰۸/۱۳

صفحه ۲۹

جلسه: ۲۸

س: آن‌ها را که گفت تمام شد و

ج: نه می‌گوید تمام این‌ها جزو غنائم اند

س: و الفوائد حاج آقا دوتا عبارت دارد این عبارت را پس یک کم دقت کنم

ج: بخوانید

س: و الغنائم و الفوائد یرحمک الله، بعد می‌گوید و الغنائم و الفوائد یرحم، فهی این

ج: یک غنیمت احتمالاً غنیمت یعنی مال جنگ، مال جبهه مال جبهه

س: خیلی خوب، کنارش گفته

ج: فوائد هم فرض کنید درآمد و ارباح و مکاسب و این‌ها

س: بعد می‌گوید فهی، این فهی بر می‌گردد به همین مجموعه

ج: عنوان غنائم و فوائد یکی خود غنیمت،

س: خیلی خوب

ج: دو فائده

س: خب

ج: سه

س: این‌ها همه‌شان داخل در فوائد می‌شود

ج: خیلی خوب سه،

س: سه می‌شود جایزه

ج: جایزه، جایزه نگفت مطلق جایزه، التی لها خطر

س: بلی درست است

ج: التی لها خطر، میراث من لایحتسب یعنی تمام را که نگاه بکنید یک،

س: فائده است داخل فائده است

ج: نه می‌دانم، داخل فایده بالتصرف به حکم ولایی نه مطلقاً و الا معقول نیست که علمای ما از همچو روایتی از امام جواد، بعد

هم امام، این‌ها می‌گویم چون در اولش دارد

س: عمل نکرد

ج: دقت کردید چه شد؟ چون اولش دارد فی عامی هذا اولش دارد فی عامی هذا فقط، آن وقت توی فایده را فهی واجبه علیهم

فی کل عام، خیال کردند آن حکم ولایی اول است ملتفت بشوید این دوم هم هست، سومش هم خود آن راوی دارد خدمت امام

می‌گوید آن سومش هم حکم ولایی فهمیدند به قول ایشان حکم شخصی،

س: نگفت در حکم ولایی را می‌پذیریم اما می‌گوییم این که توسعه در موضوع باشد

ج: خب چه اشکال دارد، چه اشکال دارد،

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

جمعه: ۲۰۲۲/۱۱/۰۴ - ۱۴۰۱/۰۸/۱۳

صفحه ۳۰

جلسه: ۲۸

س: در نمی آید آخر از این

ج: چون این ها غنیمت نیستند که میراث که غنیمت نیست که

س: فوائد هستند دیگر حاج آقا

ج: چه فائده ای؟

س: فوائد

ج: نه فوائد بالاخره باز یک کاری کرده یک خرید و فروشی کرده، این هیچ کار نکرده تو خانه اش نشسته پول آوردند،

س: آن فوائد خیلی

۲۶: ۱۱: ۱

ج: یعنی از هبه بالاتر است این، باز هبه رفیقش گفت

۳۲: ۱۱: ۱

گفت آقا ممنون قبول کرده، این اصلاً هیچی نیست نشسته تو خانه یکدفعه پول آورده در خانه آقا بگیر، خوب دقت بکنید مثل عدو

یستلم، مالی که یعرف له صاحب، آن وقت لذا این ها من به نظر من علمای ما در همان زمان فهمیدند که یک نوع حکم ولایی

است هم در ناحیه حکم هم در ناحیه موضوع، حالا ببینید

س: آخر من عذر می خواهم این را

ج: آن هم هردو را هم زدند به همان سال دویست و بیست،

س: که اصلاً آیا، اصلاً غیر از این روایت ببینیم اصلاً فرضش درست است تا بیاییم بگوییم روایت

ج: چه اشکال دارد

س: که حکم حکومتی در موضوع،

س: چه اشکال دارد

س: لغو است آقا

ج: چرا، چه لغوی دارد،

س: توسعه ولایی تو موضوع آمده

ج: چه مشکل دارد،

س: برای چه آخر برای چه حکمی، حکم هم

۱۸: ۱۲: ۱

مصلحتی است آقای حاکم می بیند این دیگر ربطی ندارد

ج: نه این مصلحت متغیر است مصلحت زمانی است

س: خب آری دیگر مصلحت،

ج: مصلحت دیده که ایشان ایشان

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

جمعه: ۲۰۲۲/۱۱/۰۴ - ۱۴۰۱/۰۸/۱۳

صفحه ۳۱

جلسه: ۲۸

۲۷: ۱۲: ۱

ربطی به حکم ندارد

ج: ایشان می گوید الآن این ها را همه را من غنیمت حساب می کنم خمسش را بده،

س: ولی سال دیگر این ها غنیمت نیست

ج: نیست سال دیگر

س: حتی صدق موضوع هم نکند این مصلحت است دیگر

ج: بلی نه

س: پس قوامش به صدق موضوع نیست

ج: نه من الآن موضوع قرارش دادم من،

س: امسال آری دیگر

ج: امسال سال دویست و بیست

س: من امسال می گویم این غنیمت است

ج: ولذا اصلاً تعجب است مثل مرحوم، می گویم از تاریخ را نگاه می کردند کاملاً واضح بود چیزی عجیب این است که سومی هم

با این که ظاهرش عام است زدند به خصوص همان سال،

س: درست است

ج: اصلاً راوی اصلاً راوی چه فهمیده از سومی فهمیده حکم ولایی آقای خویی فهمیده حکم شخصی امام، حکم شخصی چرا؟

اگر ما این مطلب کل مطلب حل می شود،

س:

۹: ۱۳: ۱

ج: نه مطلب کل روایت حل می شود دقت کردید

س: این بحث خیلی مفیدی است آدم

ج: لذا به شما گفتم می خواهم بگویم

س: خیلی بحث خوبی است

ج: دقت این اگر بشود آن وقت این مطلب برای فقیه هم ثابت است اختصاص به چیز ندارد،

س: معصوم

ج: معصوم ندارد می گوید آقا ما یک سفری رفتیم مثلاً این جور در آن جا مثلاً این جور، می گوید این را هم الآن شما فعلاً این را

به اسم حکم غنیمت حساب بکنید خمسش را بدهید جزو غنائم است این هم جزو غنائم است آن وقت چون در اولش دارد فقط

سال دویست و بیست، واضح است لسان لسان حکم ولایی است خب، اصلاً لسان لسان حکم ولایی است حکم اولی نیست فقط

آقایان تصورشان این است که حکم ولایی فقط تو حکم است تو موضوع نمی آید ما آمدیم گفتیم این را تو موضوع هم بزنیم چون

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

جمعه: ۲۰۲۲/۱۱/۰۴ - ۱۴۰۱/۰۸/۱۳

صفحه ۳۲

جلسه: ۲۸

این‌ها چندتا آن وقت لذا می‌شود گفت اصلاً یک تفسیری کردیم برای غنیمت که مایناله الرجل بسعی و مشقه یک تفسیر هم این‌که نه مطلق درآمد یک تفسیر دیگر مالهای بدون حساب بادآورده، آن هم غنیمت این از این روایت در می‌آید، س: خیلی ممنون این عبارت را فرمایش شما ظهور در همین دارد که واقعاً دارد توسعه موضوع می‌کند

ج: توسعه موضوع، رأس یکسال

س: آن اشکال را باید جواب بدهید

ج: نه اشکالی فقط در سال دویست و بیست

س: بلی

ج: و لذا هم اصحاب ما همین را فهمیدند

س: عمل هم نکردند

ج: اصلاً عمل نکردند نیاوردند

س: صحیح باشد و عمل نکنند،

ج: نمی‌شود صحیح حضرت جواد باشد و عمل نکنند، اصلاً نیاوردند که عمل بکنند مرحوم شیخ کلینی و صدوق این‌ها افراد عادی که نیستند مخصوصاً شیخ کلینی و صدوق ذیلش را آوردند که کاملاً واضح است طرف ازش حکم ولایی فهمیده کاملاً واضح، آن وقت به نظر من تمام این شبهات از روایت حل می‌شود،

س: بلی همین طور است بلی خیلی

ج: فقط به قول شما باید اثبات بشود و الا

س: نه نه این روایت ظهورش فرمایش شما خیلی

ج: خیلی

س: بلی روشن است، بلی

ج: آن وقت این حکم ولایی که در بحث متن، آن وقت نمی‌توانیم ما یک معنای جدید برای غنیمت بدهیم بگوییم مال بادآورده غنیمت این معنی را نمی‌توانیم این حکم ولایی آمده بهش گفته مال بادآورده را این هم، مثل مال‌های بی‌حساب از داعش پول گیرتان آمد، از فلان گیرتان آمد، از مزدکی‌ها و خرمی‌ها نه امام می‌گوید فانی قد سمعت ان اموالاً عظماً صارت الی الشیعه، دارد امام می‌گوید این‌ها را هم معامله غنیمت باش بکنید

س: می‌گوییم اگر مرحوم آخوند بود می‌گفت حسن جید دون اثباته

ج: خطر القاطط، آن وقت این روایت کلاً حل می‌شود برخورد اصحاب و کیفیت برخورد، کاملاً واضح است فقط این‌ها تو ذهنیت‌شان یک حکم ولایی نبوده تو روایات مسأله حکم ولایی را مطرح نکردند، من دیگر خیلی خسته شدم دلم می‌خواست این بحث اصلاً کلاً، نه امشب تمامش نه این اگر بشود خیلی،

س:

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

جمعه: ۲۰۲۲/۱۱/۰۴ - ۱۴۰۱/۰۸/۱۳

صفحه ۳۳

جلسه: ۲۸

آن را هم بگذارید که ما

ج: نه چون فردا را ما بحث را تعطیل کردیم به خاطر معروف است شهادت حضرت معصومه فردا را گفتیم تعطیل باشد، دیگر فردا دست در می آید قمی ها دسته و سینه زنی و تشکیلات و غیر از این که احتمالاً هم فاطمیه اول باشد چون بین هشتم و نهم و دهم است فردا دهم است چون این بیست و هشتم سفر است،

س: چه روزی است آن

ج: همان روایت چهل روز،

س: چهل روز

ج: آن وقت این تابع این است که این ماه های سی پور بودند یکش بیست و نه روز بود یا هردوش بیست و نه روز بودند، هردوش سی پور بودند بین هشتم تا دهم، در

س: نوسان

ج: نوسان پیدا می کند و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین.